

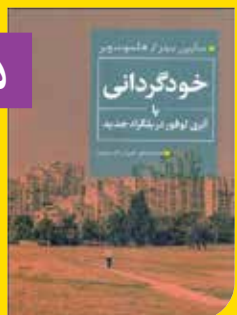
## آخرازمان سیاسی



■ نشر فلات  
۱۳۹۷

این کتاب به گونه‌ای اعجاب‌انگیز دربرگیرنده‌ی ژرف‌ترین دیدگاه‌های الهیاتی، سیاسی و فلسفی داستایفسکی است. شاید بسیاری از ما که برادران کارامازوف داستایفسکی را خوانده‌ایم، اما هنوز نمی‌دانیم در پس شعر بیمارگونه‌ی ایوان کارامازوف، یعنی «افسانه‌ی مفتش اعظم»، چه اندیشه سیاسی عمیقی نهفته است و داستایفسکی در پی تفهیم چه نکته‌ای است. چنین است که نیاز است داستایفسکی را، سیاسی بیاموزیم، یعنی او را از خاک زمان خود برداشت کنیم.

## خودگردانی



■ انتشارات همشهری  
۱۴۰۰

این کتاب نماینده‌ی امتداد تفکر لوفور است که به‌بهترین نحو توسط سابین بیتر و هلموت وبر، نمایان شده است. طرحی برای یک شهر: خودگردانی و سپردن مدیریت شهر به خود شهروندان و باز کردن فضایی حیاتی در شهر برای مقاومت. طرحی رد شده از لوفور، اما حائز اهمیت، به‌عنوان نقطه‌ی تلاقی نظر و عمل در متفکری که کل قرن بیستم را زیست و در زمینه شهر و دلالت‌های آن قلم زد.

## کافکا و فلسفه



■ نشر خوب  
۱۳۹۹

این کتاب نوشته اسپن هم با ترجمه حیدر خسروی، مسعود سنجرانی، فرشاد صدوقیان، قاسم مومنی، علیرضا خزائی، آرش روحی، آیدین خلیلی، سارا دلشاد و مهدی صابری در انتشارات خوب چاپ شده است. این اثر، برخلاف بسیاری از شرح‌ها بر آثار کافکا، به تحلیل مستقیم درون‌مایه‌های رمان نمی‌پردازد، به‌عبارتی، به‌جای جست‌وجوی معنایی یکپارچه و مستقل از متن در قالب داستان‌های این نویسنده، است.



زمان ممکن متوقف نشود و از دهانه دودکش کارخانه‌ها و صنایع همچنان دی‌اکسیدکربن وارد جو شود، به‌زودی زمین تبدیل به صحنه‌ای از فیلمی آخرازمانی خواهد شد. با گرم شدن زمین تمام بلایای طبیعی شدت خواهند گرفت. برخی مناطق با طوفان، برخی با زلزله، برخی با رفتن به زیر آب، برخی با خشکسالی و... ایران هم در یکی از پرخطرترین مناطق جغرافیایی جهان قرار دارد که سال‌هاست درگیری با این بحران‌ها را به خود دیده. با ادامه روند گرمایش، خاورمیانه همه این مشکل‌ها را یکجا تجربه خواهد کرد. در این میان، ایران که همین الان هم با بی‌آبی، کمبود بارش، خشکسالی و غیره مواجه است، در آینده‌ای نه‌چندان دور به بزهوت تبدیل خواهد شد. قطعا جنوب و مرکز کشور که خشک‌ترند و بیشتر در معرض خطر، زنگ خطر را زودتر به صدا در خواهند آورد و زنگ خطر دیگر فقط منازعات شهر به شهر فصلی بر سر آب نخواهد بود، بلکه سیل مهاجرت و تنازع قومی و فرهنگی عظیمی کشور را به ویرانی خواهد کشاند. همه این‌ها بدون اشاره به مشکلات وخیم‌تری است که در خاورمیانه گریبانگیر کشورها و در رأس‌شان ایران است و همه در این کشتی دیوانگان غرق خواهند شد. خب متاسفانه در ایران ادبیات این بحث جا نیفتاده و ما هنوز این مسئله را بحرانی نمی‌دانیم. کتاب طوفان مهیب که ده داستان کوتاه است در مورد گرمایش و انهدام زمین به دست بشر، فتح بابی است برای مواجهه همگانی با این بحران. در نوع خود نیز نخستین اثری است که در ایران منتشر شده. زبان این بحرانی‌سازی هم نه علم و اصول و قواعد خشک‌ش است، نه آمار و ارقام و نه سناریوسازی. زبانش داستان است. زبان تجربه زیست مشترک در تخیل. شاید با خواندن یک‌دو داستان برخی از جوانب این بحران برایمان کمی بحرانی‌تر شود.

**در انتها، برای مترجمان جوان چه نصیحتی دارید؟ چه باید کرد برای آنکه مترجمی برتر شد؟**  
راستش من خودم هنوز جوانم و نوسفر. نصیحت‌گویی بماند برای طائران قدس. در مورد مترجم برتر شدن هم فکر کنم بد نیست مثال دیوانه را دوباره بزنم. از دیوانه که انتظار رسالت نمی‌رود، پس به گمانم انتظار برتری هم بهتر است نرود.

متونی را که با دغدغه‌اش جور باشد برمی‌گزیند. در اینجا نیز آن فضا و ضرورت حاکم بر آن، متن را سر راه مترجم قرار می‌دهد. کافی است به خودش زحمت بدهد و فقط در باغ باشد.

**بنا بر تجربه‌ای که دارید، یک ترجمه‌ی خوب چیست و باید چه نشانه‌هایی دال بر درستی خود داشته باشد؟**

راستش ترجمه ورطه است و ورطه هم کرانی ندارد. بنابراین چندان نمی‌شود برایش اصول و قاعده و چهار چوب و قالب تعیین کرد و انتظار داشت درستی و غلطی تمام‌وکمال در آن بگنجد. حتی اگر متر و معیاری هم بشود گذاشت، چندان دقیق نیست. اساساً معیارها آنقدر مبهم و کلی هستند که نمی‌شود مثل شابلون روی چیزی پیاده‌شان کرد. یک مثالش وفاداری در انتقال متن است. متر و معیار خود وفاداری چیست؟ از کجا به بعد وفاداری نیست؟ تا کجا وفاداری است؟ زبان مبدأ و مقصد چقدر به همین وفاداری مبهم اجازه می‌دهند؟ و قس علیهذا. شاید سوال شما را با بررسی ترجمه‌ای خاص بهتر بتوان پاسخ داد (مترجم نویسنده‌ای است با اصالتی بی‌همتا، در حالی که هیچ ادعایی از این دست ندارد. پس ترجمه کردن صرفاً انتقال ساده کلمات از زبانی به زبان دیگر نیست و مترجم بسان نویسنده‌ای در سرزمین تفاوت‌ها در فاصله میان تعویق معنا از زبانی به زبان دیگر در حال زیستن است و همین ویژگی، زیست یک مترجم را خالی از سکون می‌کند، او همواره در سیلان بافت نامتناهی از معناها در حال حرکت است. چنین است که یک اثر برتر برای ترجمه، آن چیزی است که خود دست بر فن ترجمه برای بیان خویش می‌زند. موریس بلانشو - در اهمیت ترجمه).

**طوفان مهیب تازه منتشر شده، اما قدیم بر حکم اوضاع جهان. کمی بیشتر از طوفان مهیب بگویید [اثر تازه منتشرشده‌ی خسروی]. چه شد که به سمت ترجمه‌ی این اثر رفتید؟ هدف از پرداخت به این موضوع چه بود و چه دغدغه‌ای پشت نظر مترجمی که شما باشید، برای انتخاب این کتاب نهفته بود؟**

گرمایش زمین در حال حاضر اضطراری‌ترین مسئله بشر است که گرچه نیاز مبرمی به اجماع جهانی دارد، ولی مغفول‌ترین موضوع است. اگر آزادسازی گازهای گلخانه‌ای در سریع‌ترین

**با گرم شدن زمین تمام بلایای طبیعی شدت خواهند گرفت. برخی مناطق با طوفان، برخی با زلزله، برخی با رفتن به زیر آب، برخی با خشکسالی و... ایران هم در یکی از پرخطرترین مناطق جغرافیایی جهان قرار دارد که سال‌هاست درگیری با این بحران‌ها را به خود دیده. با ادامه روند گرمایش، خاورمیانه همه این مشکل‌ها را یکجا تجربه خواهد کرد**